[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.9.4]

[DOI: 10.52547/jpll.29.90.173]

مقالهٔ علمی ـ پژوهشی

کثرت‌اندیشی، فساد عقیده یا کمال اخلاقی
(بررسی دو رویکرد متقابل در تذکره‌های ادبی ایران و هند)

محمود فتوحی رودمعجنی*
فاطمه رضوی**

چکیده

ادبیات فارسی، در طول قرن‌ها، بستر آرامی برای شکل‌گیری و بیان اندیشهٔ ایرانی فراهم کرده است. یکی از این اندیشه‌ها که در قرون دهم تا دوازدهم هجری، هم‌زمان با حکومت صفویان در ایران و تیموریان گورکانی در هند، اوج گرفته و باورهایی همچون آزاداندیشی، شادخواری و باطنی‌گرایی را گسترش داده، اندیشهٔ کثرت‌گرایی یا وسعت مشرب است. این تفکر با جریان مهاجرت فرهیختگان به هند در دو شاخهٔ ایران و هند رشد کرد و در معانی مختلف و گاه متضاد، از طاغی‌گری و بدمذهبی تا غایت کمالات معنوی و پاک‌دینی، کاربرد یافت. این جستار از خلال تبیین این دیدگاه در تذکره‌های شعری به تفاوت و تمایز آن در این‌دو جغرافیای سیاسی می‌پردازد و نشان می‌دهد که معانی وسعت مشرب در تذکره‌های شعری در ایران و هند چگونه از فضای سیاسی و فرهنگی این دو اقلیم متأثر است.

کلیدواژه‌ها: کثرت‌گرایی، وسعت مشرب، آزاداندیشی، شادخواری، اباحی‌گری، باطنی‌گرایی، تشیع صفوی، تیموریان هند.

---

* استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد fotuhirud@gmail.com
** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسندهٔ مسئول) razavi.f@hotmail.com

---

تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۶/۲۲
دوفصلنامهٔ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، سال ۲۹، شمارهٔ۹۰، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۱۷۳-۱۹۵

Pluralism,Corruptionor Moral Perfection (A Study of Two ContrastiveApproaches in Iranian and Indian Literary Tazkirahs)

Mahmoud Fotouhi*
Fatemeh Razavi**

Abstract
Over the centuries, Persian literature has provided a calm platform for the formation and expression of Iranian ideas.The idea of pluralism or (Wus'at-iMashrab) is one of the beliefs, which peaked in the tenth to twelfth centuries A.H. at the same time as the Safavid rule in Iran and the Gurkhani Timurid rule in India and spread views such as free thinking, happiness, and esotericism.This thought grew with the migration of intellectuals to India in twobranches of Iran and India and was used in various and sometimes contradictory meanings, from rebellion and atheism to the end of spiritual perfection and purity.By explaining this view in poetic Tazkirahs, this study deals with the differences and distinctions in these two political regions and shows how the meanings of Wus'at-iMashrabin poetic Tazkirahsin Iran and India are influenced by the political and cultural atmosphere of these two regions.

Keywords: Pluralism, Wus'at-iMashrab, FreeThinking, Happiness, Obscenity, Esotericism, Safavid Shiism, Indian Timurids.

*Professor in Persian Language and Literature at Fedowsi University, *fotuhirud@gmail.com*
**PhD Candidate in Persian Language and Literature at Ferdowsi University, (Corresponding Author) *razavi.f@hotmail.com*

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.9.4]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.173]

۱. مقدمه

۱. ۱. طرح مسئله

اندیشهٔ کثرت‌گرایی یا «وسعت مشرب» باوری ریشه‌دار در فرهنگ ایرانی است که در ادبیات (به‌ویژه شعر) عصر صفوی محل مناقشه و جدال‌های ایدئولوژیک و سیاسی بوده است. تذکره‌نویسان و مورخان قرن‌های دهم و یازدهم هجری گزارش‌های متفاوت و گاه متناقضی از این گفتمان و هواداران آن ارائه کرده‌اند.[۱] در منابع ادبی و تاریخی، وسعت مشرب به‌معنای آزاداندیشی و تکثرگرایی در اندیشه، نوعی حریّت و آزادگی در سیاست، مداراطلبی و سازگاری با همگان در اخلاق، شاعری و خوش‌سخنی در هنر، و اباحی‌گری در نظرگاه اهل مذهب است. همچنین، شادخواری و لذت‌طلبی به‌منزلهٔ مسلک وسیع‌مشربان گزارش شده است. این اندیشه از اواخر قرن دهم در دو قلمرو ایران و هندوستان رشد کرد. گزارش‌های تذکره‌نویسان و مورخان از آن در این‌دو جغرافیا تفاوت‌های آشکاری با یکدیگر دارد. ازهمین‌رو، فهم دقیق‌تر این اندیشه نیازمند بازشناسی تمایز دیدگاه‌هایی است که در این‌دو جغرافیا دربارهٔ وسعت مشرب وجود داشته است.

۱. ۲. روش تحقیق

روش بررسی در این جستار تطبیقی است. پیکرهٔ متنی پژوهش شامل اسناد تاریخ ادبی است و اطلاعات اصلی از دو تذکرهٔ مشهور عصر صفوی استخراج شده است: ۱. تذکرهٔ *خلاصة‌الاشعار* (۱۰۱۶ق.) به‌خصوص بخش کاشان نمایندهٔ رویکردی است که در قلمرو صفویان نوشته شده و ۲. تذکرهٔ *عرفات‌العاشقین* (۱۰۲۴ ق.) و در کنار آن، تذکرهٔ *هفت‌اقلیم* (۱۰۱۸ ق.) نمایندهٔ تذکره‌هایی است که در قلمرو تیموریان هند به نگارش درآمده است. هم‌زمانی این تذکره‌ها در کنار بسامد فراوان اصطلاح وسعت مشرب در آنها دلیل انتخاب این منابع است. در استخراج داده‌ها کلیدواژه‌های «مشرب»، «وسعت مشرب»، «سعت مشرب»، «وسیع‌المشرب» و...، از هر دو محیط ادبی ایران و هند، منابع ادبی و تاریخی رهنمون ما به محتوای موردنظر بوده است.

۱. ۳. پیشینهٔ تحقیق

در بحث از وسعت مشرب، تاکنون غیر از مقالهٔ فاطمه رضوی و محمود فتوحی رودمعجنی (۱۳۹۸) تحقیق جامعی انجام نشده است. تنها می‌توان به سخن زرین‌کوب (۱۳۷۱) دربارهٔ

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.9.4]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.173]

وسعت مشرب در مجموعهٔ یادداشت‌های او اشاره کرد. ایشان به نقش کلیدی وسعت مشرب به‌منزلهٔ نمایش اعتراض خاموش شاعران عصر صفوی اشاره می‌کند و دلایل شکل‌گیری این اندیشه را تعصبات خشک و برخورد قهرآمیز صفویه می‌داند. علاوه‌بر زرین‌کوب، مسیح آقامحمدی (۱۳۸۸) تحقیقی در این زمینه انجام داده که در آن وسعت مشرب را اساس ایدئولوژی سبک هندی دانسته است.

۲. وسعت مشرب، تعاریف و کلیات

۲. ۱. چیستی وسعت مشرب

«وسعت مشرب» اصطلاحی است که در ادبیات نمود برجسته‌ای دارد. اصطلاح «وسعت مشرب» بر یک نظام مشخص از اندیشه و مسلک دلالت دارد که در دیوان‌های شعری و متون ادبی و تاریخی، هم‌زمان با حکومت صفویه و تیموریان گورکانی در ایران و هند، بسط یافته است. کانون مرکزی وسعت مشرب اندیشه‌ای است که «فرارفتن از تفاوت‌ها و نادیده‌گرفتن اختلاف‌ها» (رضوی و فتوحی، ۱۳۹۸: ۱۸) و هم‌صحبتی با همگان را تبلیغ می‌کند و از این جهت به باورهای عرفانی وحدت وجود و حکمت خالده نزدیک است که پدیده‌های متکثر جهان را از سرمنشأ واحدی می‌دانند و تمایزی بین ادیان و باورها قائل نیستند. بر بنیاد این تفکر، شخصِ وسیع‌مشرب اهل مدارا و تساهل است. سلوک شاعران وسیع‌مشرب بر عشرت‌خواهی (خصوصاً می‌خواری)، زیست اخلاقی و صلح استوار است (همان، ۲۵-۳۰). همچنین، حریّت و آزاداندیشی، شادخواری و دنیاگرایی این مسلک را به اندیشه‌های ایرانی پیوند می‌زند.

۲. ۲. سرچشمه‌های وسعت مشرب: از بی‌پروایی رندانه تا بی‌تعینی صوفیانه

نخستین کاربردهای وسعت مشرب، در قالب اصطلاح، بر شاهان تیموری جغتایی اطلاق شده است. حافظ‌ابرو در *زبدة‌التواریخ* (۸۳۴ ق.) اصطلاح وسعت مشرب را در معنای شعور، درک و دریافت برای شاهان جغتایی به‌کار برده است. او از زبان میرزا شاهرخ تیموری می‌گوید که شاهان جغتایی دارای «وسعت مشرب، فهم و حالت» هستند (حافظ‌ابرو، ۱۳۸۰: ۹۶۰). همچنین، اولین کاربردهای وسعت مشرب در تذکره‌ها و دیوان‌های شاعران محفل ادبی هرات (مانند هلالی جغتایی) دیده می‌شود که با حمایت دربار سلطان حسین بایقرا اداره می‌شد. قدیمی‌ترین تذکره‌ای که وسعت مشرب را در

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.9.4]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.173]

قالب اصطلاح به‌کار برده، *نفحات‌الانس* (۸۹۸ ق.) اثر شاعر نامدار عبدالرحمن جامی است و بعد از آن در *مجالس‌النفائس* (۸۹۶ ق.) اثر امیرعلیشیر نوایی (متوفی۹۰۶ ق.) در هرات در سال‌های آخر استیلای تیموریان بر ایران به‌کار رفته است.

یکی از معانی وسعت مشرب در نگاه جامی و امیرعلیشیر نوایی، می‌خواری و عشرت‌خواهی است. در *مجالس‌النفائس* آمده که خواجه سلطان محمد «بسیار خوش‌صحبت و پرنشاط است و بی‌نظیر و بی‌عدیل و روی بساط و بیشتر از این اگرچه از برای وجه معیشت زحمت می‌کشید و تنگ مشرب، لیکن حالی خالی از وسعت مشرب و بی‌پروایی نیست» (نوایی، ۱/۱۳۶۳: ۲۷۶). در این شاهد، به‌نظر می‌رسد وسعت مشرب نوعی عشرت و لذت‌طلبی باشد؛ چراکه با بی‌پروایی هم‌خانواده شده و از ضروریات معیشت مانند مسکن و خوراک نیست، بلکه بعد از کسب وجه معاش حاصل می‌آید، مانند می‌خواری و عشرت. حافظ شربتیِ «خوش‌خلق و نیکومشرب»، که هم‌دورهٔ میرزا بابر مفتی دهری «رندمشرب شهر» بوده، گوشه‌نشین می‌خانه بوده است (همان، ۲۶۷). جامی نیز در *نفحات‌الانس*، در شرح دیدار مولانا و شمس‌الدین تبریزی، مولانا را دارای وسعت مشرب می‌داند. آنجا که از محلهٔ جهودان سبویی را پر از شراب کرد و برای شمس آورد (جامی، ۱۳۷۰: ۵۳۸). جامی همین یک‌بار اصطلاح وسعت مشرب را به‌کار برده و از آن معنای تسامح در شرعیات اراده کرده است.

علاوه‌بر التزام وسعت مشرب به می‌خواری و بی‌پروایی در دو تذکرهٔ تحت مطالعهٔ ما، مشرب معنای دیگری نیز دارد و با سلوک صوفیانه همسو است. براین‌مبنا، بی‌تعینی، بی‌تکلفی و فنا هم‌پایه و همزاد مشرب است. امیرعلیشیر نوایی دربارهٔ میرخواند می‌گوید: «با وجود کبر سن و علو نسب و کثرت حب، که همهٔ موجب انسانیت است، آن مقدار بی‌تعینی و فنا و مشرب دارد که زیاده بر آن متصور نیست» (نوایی، ۱/۱۳۶۳: ۹۴). هم‌پایگی مشرب با دو مفهوم فنا و بی‌تعینی در گفتمان صوفیه همسویی آن را با تصوف نشان می‌دهد. نوایی دربارهٔ مغول عبدالوهاب دو لفظ مهم به‌کار برده است: «از آدمی‌زادگان محفوظهٔ سمرقند بود... جوانی بی‌تکلف بود و مشرب فانی داشت» (همان، ۱۷۱). مشرب در «مشرب فانی» اگرچه صراحتاً در معنی اصطلاحی مورد نظر ما به‌کار نرفته، دلالتی نزدیک بر معنای مصطلح دارد؛ چراکه علیشیر نوایی در شاهد قبلی میرخواند را صاحب فنا و صاحب مشرب وصف کرده بود.[۲] خود او نیز، در توصیف سید سربرهنهٔ ترکستانی، او را «صاحب مشرب»، نیکوکردار و پاک‌دین معرفی کرده است.[۳] ترادف مشرب با پاک‌دینی و نیکوکرداری سید، در

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.9.4]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.173]

کنار تولیت مزار شیخ لقمان (همان، ۲۶۱)، همسویی مشرب را با سلوک صوفیانه نشان می‌دهد. جامی نیز مشرب را با سلوک صوفیانه همراه آورده است. او برای بیان باور وحدت وجودی شیخ سیدقاسم تبریزی، مشرب در معنای قاموسی را با توحید همراه کرده است (مشرب توحید). باور وحدت وجودی شیخ (اینکه همهٔ امور از یک مبدأ است و تکثرات جهان را منشأ و مبدأ یکی است) موجب جمع‌شدن می‌خواران و اصحاب هوا و هوس به گرد اوست (جامی، ۱۳۷۰: ۶۹۰). این جماعت «از معارف وی سخنان می‌شنیده‌اند و از سر نفس و هوا در آن تصرف می‌کرده و آن را مقدمهٔ اشتغال به مشتهیات نفس و اعراض از مخالفات هوا می‌ساخته»اند (همان). در این شاهد، شیخ مستقیماً وسیع‌مشرب نامیده نشده است، اما باور و سلوک شیخ وسعت مشرب او را نشان می‌دهد. این شاهد زمینهٔ ورود باورهای وحدت وجودی صوفیان را، که نسبت به فقیهان درک آزادتری از مبانی شریعت دارند، به وسعت مشرب فراهم می‌کند. شیخ به جماعتی که با او هم‌رأی و هم‌نظر نبودند (کسانی که «از ربقهٔ دین و اسلام خارج بودند و در دایرهٔ اباحت و تهاون به شرع و سنت داخل») (همان)، اجازهٔ ورود به مجالسش را می‌داده است؛ چراکه باور این صوفی پاک‌دین این است که تمایزها و تفاوت‌ها را تکثراتی از یک واحد می‌داند. بنابراین، او می‌خواره و رند و شیخ و مؤمن و ترسا را از یک نوع می‌داند. این باور ایدهٔ کانونی وسعت مشرب است که به‌تدریج در دوره‌های بعد بسط داده شده است.[۴] به‌همین‌دلیل، مشرب در «مشرب توحید»، که جامی برای توصیف شخصیت شیخ آورده است، دلالتی بیش از معنای قاموسی دارد، هرچند که اصطلاح وسعت مشرب در ادبیات اواخر قرن نهم در معنای دلالت بر یک اندیشه و گفتمان شناخته نشده است.

باری، وسعت مشرب در دو تذکرهٔ *نفحات‌الانس* جامی و *مجالس‌النفائس* امیرعلیشیر نوایی، که هردو در مکتب هرات نگارش یافته‌اند، نخست بر می‌خواری، بی‌پروایی و لوندی؛ و دوم بر بی‌تعینی، بی‌تکلفی، فناء و باطنی‌گرایی صوفیانه دلالت دارد و زمینهٔ ورود باورهای وحدت وجودی و تکثرگرایی را نیز به گفتمان وسعت مشرب فراهم کرده است. وسعت مشرب در این دو تذکره معانی ثانویه‌ای نیز دارد که از خلال توصیف شخصیت‌های وسیع‌مشربان در این آثار آشکار می‌شود، از جمله خوش‌صحبتی، نیکوکرداری، پاک‌دینی و فهم و درک.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.9.4]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.173]

۲. ۳. جغرافیای وسعت مشرب: از خراسان بزرگ تا کاشان و هندوستان

پیشتر گفتیم که نخستین اشارات وسعت مشرب برای شاهان تیموری و نیز در منابع ادبی محفل هرات در خراسان به‌کار رفته است؛ بنابراین، وسعت مشرب شیوه و سلوک شاهان تیموری ایران بوده که در خراسان بزرگ ساکن بوده‌اند. اکثر شاعران وسعت مشرب به فلات مرکزی ایران تعلق دارند که فرهنگ ایران‌شهری در آنها ریشه‌دار است. در شرح حال شاعران وسیع‌مشرب در تذکره‌ها، بیشتر آنان زادهٔ خراسان و کاشان بوده و با دارالعمارهٔ یزد و گیلان و دارالسلطنهٔ اصفهان در ارتباط بوده‌اند.[۵] خراسان مهد تمدن ایرانی و فرهنگ فارسی و تصوف بوده و کاشان از جهت رواج عیش و عشرت یادآور خوش‌باشی‌های خسروانهٔ ایرانی است. ازسویی، کاشان در عصر شاه طهماسب و شاه عباس اول مرکز تجمع نقطویان بوده است که درصدد برافراشتن دور و هزارهٔ عجمی[۶] بودند. حافظ شربتی (نوایی، ۱/۱۳۶۳: ۲۶۷) و جلال‌الدین مولانا (جامی، ۱۳۷۰: ۵۳۵) اهل خراسان هستند. نیشابور محل تولد مولانا ابن‌هلال (اوحدی بلیانی، ۱/۱۳۸۹: ۴۰۹) و لطف‌الـله نیشابوری (رازی، ۱/۱۳۴۰: ۴۶) است که به کاشان رفته‌اند. اصفهان در زمان شاه عباس صفوی دارالسلطنه و مهد فلسفه بوده و شاعران وسیع‌مشرب را پرورش داده است. صائب تبریزی از این دیار برآمده است. یزد (مهد کیش مهرپرستی) مقصد سفر برخی وسیع‌مشربان بوده است (اوحدی بلیانی، ۱/۱۳۸۹: ۴۱؛ اسکندربیگ، ۱/۱۳۳۴: ۱۲۳ و ۱۲۴؛ کاشی، ۱۳۸۴: ۵۵۸) و خان‌احمد کارکیا که با شاه طهماسب میانهٔ خوبی نداشته (کاشی، ۱۳۹۲ب: ۶۹-۷۱؛ اسکندربیگ، ۲/۱۳۷۷: ۸۴۳)، در گیلان درباری خسروانه داشته و دربارش مقصد برخی از وسیع‌مشربان آزاداندیش بوده است (اسکندربیگ، ۱/۱۳۳۴: ۱۲۳).

پس از تأسیس سلسلهٔ صفویه و سیاست‌های دینیِ متمایزِ آنان، که به مهاجرت بسیاری از هنرمندان و فرهیختگان ایران به هند منجر شد، فرهنگ و ادب فارسی و وسعت مشرب در دو اقلیم ایران و هند متناسب با سیاست‌های کلان دربار صفوی و تیموریان هند رشد کرد. این دو اقلیم دو جادهٔ متفاوت برای ایدهٔ وسعت مشرب بود. تیموریان گورکانی هند خود را از نسل تیمور می‌دانستند و سیاست‌های شاهان گورکانی هند در راستای برساختن فرهنگ و تمدن ایرانی اجدادشان بوده است. در قلمرو ایران، اصلی‌ترین مرکز تجمع شاعران وسیع‌مشرب کاشان بوده است (کاشی، ۱۳۸۴: ۲۰، ۷۳، ۲۳۵، ۲۹۳، ۴۵۷، ۶۲۱) و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.9.4]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.173]

بیشترین بسامد وسعت مشرب در *خلاصة‌الاشعار* در بخش کاشان است.[۷] در قلمرو هندوستان، دربار شاهان گورکانی از جمله اکبرشاه و جهانگیرشاه (و دربارهای محلی وابسته به این دربار مرکزی) محل تجمع شاعران وسیع‌مشرب بوده است.

۲. ٤. حامیان فرهنگ ایرانی، پیروان وسعت مشرب

در حکومت صفویه، شعر و دانش‌های غیرکلامی و غیرفقهی به طبقهٔ دیوان‌سالار تعلق داشته است. *تحفهٔ سامی* (۹۷۳ ق.)، که روایتی ادبی از رواج فرهنگ ایرانی در دربار شاه اسماعیل اول است، وضعیت مجریان و وابستگان شاه اسماعیل (حتی علماء و سادات) را توصیف می‌کند که در مناصب دولتی مانند وزارت، قضاوت، استیفاء، انشاء، استکفال مهمات سلطانی، و امارت و شهریاری مشغول به‌کار بوده‌اند و درعین‌حال به ادبیات فارسی و شاعری گرایش داشته و در فنون و دانش‌هایی همچون طبابت، موسیقی، نقاشی و خوش‌نویسی شهرت داشته‌اند (سام‌میرزا، ۱۳۸۹: ۳۱-۹۵).

اندیشهٔ وسعت مشرب در میان حامیان فرهنگ ایرانی و فارسی پایگاه ارجمندی دارد. این گروه خود شاعر یا حامی و گرونده به فرهنگ فارسی بوده‌اند. در توصیف شخصیت‌هایی که تذکره‌ها و منابع تاریخی از وسیع‌مشربان به‌دست داده‌اند، نخبگی آنان در دانش‌های جمالی و معارف اداری آشکار است. برخی از شاعران وسیع‌مشرب که در فنون و دانش‌ها تبحر داشتند به گواه تذکره‌ها از این جمله‌اند: خواجه امین‌الدین در اسلوب انشاء و علم سیاق، افضل دوتاری در فن موسیقی و علم ادوار ، و مولانا مجد که به‌وفور علم شهرت داشت. همچنین، بدیعی به علوم غریبه آگاهی داشت، صحیفی در خطاطی و تذهیب و صحافی مشهور بود، و حکیم شفائی طبیب دربار شاه عباس به وسیع‌مشربی شهرت داشت (کاشی، ۱۳۸۴: ۳۲۴).

در *تاریخ عالم آرای عباسی*، حکیم کمال‌الدین حسین و میرزا محمد شیرازی (اسکندربیگ، ۱/۱۳۳۴: ۱۲۳)، از طبیبان زبدهٔ دربار شاه طهماسب در قزوین، وسیع‌المشرب نامیده شده‌اند.[۸] حکیم کمال‌الدین حسین بعد از بی‌توجهی‌های شاه طهماسب به دربار خان‌احمد کارکیا در گیلان پیوست. دربار خان‌احمد کارکیا در گیلان به شکوه خسروانی شهرت داشت و محل تجمع شاعران و هنرمندان بود (کاشی، ۱۳۹۲ب: ۶۷-۶۹). این گروه از دانشوران و کارگزاران دولتی در اندیشهٔ وسعت مشرب

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.9.4]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.173]

مجالی برای تحقق آرمان‌های ایران‌شهری خود می‌یافتند. آزاداندیشی، خوش‌باشی، دنیاگرایی، هم‌زیستی اعتقادی، تقلیل مرارت‌های ناشی از تعصبات و صلح از جملهٔ این آرمان‌هاست که اندیشهٔ جامعهٔ ایرانی را تشکیل می‌دهد.

۲. ۵. پیوند ادبیات و وسعت مشرب

دیوان‌های شعر (به‌خصوص در بخش قالب‌های کوتاه مانند غزلیات، رباعیات و مفردات) بیشترین بسامد اصطلاح وسعت مشرب را در خود دارد. بعد از دیوان‌های شعر، تذکره‌های ادبی که شرح حال شاعران است بیش از آثار تاریخی به وسعت مشرب نظر داشته‌اند. تذکره‌های شعر، در توصیف شاعران، از وسیع‌مشرب‌بودن آنها به‌منزلهٔ یک ممیزهٔ مشخص با تأکید یاد می‌کنند. در تذکرهٔ *خلاصة‌الاشعار* وسعت مشرب شاعران با داشتن اشعار و ادبیات عاشقانه (کاشی، ۱۳۸۴: ۷۳، ۲۳۵و ۴۵۷) تعریف شده است. بذله‌گویی (اوحدی بلیانی، ۱/۱۳۸۹: ۴۰۹ و ۱۸۹۵/۳) و خوش‌صحبتی و قدرت گفتار (همان/۲: ۴۱۴؛ کاشی، ۱۳۸۴: ۲۱ و ۶۲۱) نیز ویژگی وسیع‌مشربان است. مولانا بلخی، شاعر و صوفی نامدار، نیز در *نفحات‌الانس* جامی وسیع‌مشرب نامیده شده است (جامی، ۱۳۷۰: ۵۳۸). همچنین، اوحدی بلیانی در *عرفات‌العاشقین* امام برهان‌الدین اردلانی عالم بزرگ اسلامی را وسیع‌المشربی در لباس شاعری می‌داند (اوحدی بلیانی، ۲/۱۳۸۹: ۷۱۶). اسکندربیگ ترکمان در *تاریخ عالم‌آرای عباسی* صراحتاً وسعت مشرب را به طبقهٔ شاعران اطلاق می‌کند و می‌گوید علت اینکه شاه طهماسب در اواخر عمر التفاتی به شعرا نمی‌کرد، وسیع‌المشرب‌بودن آنان بود (اسکندربیگ، ۱/۱۳۳۴: ۱۷۹). البته، اطلاق «طبقه» به شاعران در این اثر به گروه‌هایی اشاره دارد که در دربار حضور داشته‌اند، نه در معنایی که اکنون از رهگذر علم جامعه‌شناسی از طبقه (Cast) در ذهن داریم.

۲. ۶. وسعت مشرب در دو جغرافیای سیاسی

زمانی که حکومت صفویه در پی شکل‌دادن و تثبیت ایدئولوژی تشیع دوازده‌امامی در ایران بود، شاهان تیموری هند به‌دنبال بازسازی فرهنگ و ادب فارسی بودند. سیاست‌های متفاوت صفویان و تیموریان هند در روند وسعت مشرب تأثیر داشت و سبب دوشاخه‌شدن وسعت مشرب در ایران و هند شد. از نگاه تذکره‌نویسان مشهور قرن‌های

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.9.4]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.173]

دهم و یازدهم به اندیشهٔ وسعت مشرب، می‌توان تفاوت آشکاری در دو قلمرو هند تیموری و ایران صفوی یافت.

۲. ۶. ۱. وسعت مشرب به‌مثابهٔ اباحی‌گری و بی‌دینی در ایران

تقی کاشی در تذکرهٔ *خلاصة‌الاشعار* وسعت مشرب شاعران را در دو گونه رفتار وصف کرده است: ۱. می‌خواری، شاهدبازی، عاشقی و سرودن غزلیات عاشقانه؛ ۲. عدم رعایت شعایر دینی و اختلاط با اباحیان و گرایش به معتقدات همگان. شاعرانی که تقی کاشی به آنان صفت وسیع‌مشرب می‌دهد، دارای فضایل اخلاقی و کمالات عالی نیز هستند، اما تقی کاشی وسعت مشرب آنها را از این جهت نمی‌داند.

از نظر تقی کاشی، وسعت مشرب خواجه امین‌الدین محمد به‌جهت عاشقی‌کردن با نوخطان، سرودن اشعار عاشقانه و مشغولی به خوش‌طبعان است (کاشی، ۱۳۸۴: ۷۳). مولانا افضل دوتاری با «ارباب عیش و مشرب و اصحاب ذوق و طرب» همراه بود و غزلیات عاشقانه داشت:

> به‌سبب اختلاط برخی اباحتیان و بی‌قیدان، اوامر و نواهی شرع اطهر در نظر اعتقادش سهل و عبث می‌نمود، لاجرم در عنفوان جوانی در محلّ نزاع اویماق ترکمان و تکلّو و شاملو در نواحی نطنز بر دست غازیان ولیجان سلطان ترکمان با میربیغمی که در بی‌قیدی و سوءاعتقاد، قدم بر قدم اهل نقطه و زنادقه داشت مقتول گشته به دار مکافات رسید (کاشی، ۱۳۸۴: ۴۵۷).

اختلاط با اهل زندقه و نقطه، رسوخ باورهای آنان در اعتقاد مولانا در کنار عشرت‌خواهی دلایل وسعت مشرب افضل دوتاری است که در نهایت به‌دست ترکمانان کشته می‌شود (همان، ۴۵۷). براین‌اساس، وسعت مشرب فساد عقیده است و در مظان الحاد و زندقه. کاشی می‌گوید که مولانا فهمی نیز در طریق مشرب و لوندی بوده و به صحبت لوندان و تجرّع مدام و مداومت بر آن تمایل داشته است. او به‌سبب وسعت مشرب با طاغیان و زنادقه هم ارتباط داشته و از باورهای آنان سخن می‌گفته است:

> مولانا موحدالدین فهمی... سبب وسعت مشربی که این طایفه [شاعران] را می‌باشد، یا جهت اطلاع بر مزخرفات و ترّهات اهل ضلال، نزد آن طاغیان دم از ثبات قدم و رسوخ اعتقاد زده باشد... و در این اوقات که از آن سفر مبارک مراجعت نموده همان روزگار را به ملازمت و مصاحبت این نیّر اوج اقبال می‌فرساید و طریق مشرب و لوندی را از دست نمی‌دهد و کم به شغل شاعری می‌پردازد... و میل به صحبت لوندان و تجرّع مدام و مداومت

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.9.4]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.173]

بر آن... ان‌شاءاللّه چنان‌که به میامن برکات زیارات ائمه هدی‌ـصلوات‌اللّه علیهم‌ـ از اعتقادات فاسده و تتبّع سبیل زنادقه برگشت، از این‌طور نیز باز ایستد (همان، ۲۹۳-۲۹۴).

در نظر کاشی، وسعت مشرب فهمی از جهت لوندی و هم‌صحبتی با زنادقه بوده است، اما همین‌جا نکته‌ای دیگر نیز به چشم می‌خورد. فهمی درعین ارتباط با زندیقان، که در بافت فکری و اجتماعی *خلاصة‌الاشعار* نقطویان هستند، به زیارت ائمهٔ هدی هم می‌رفته است. این یعنی چندوجهی‌بودن شخصیت و عدم التزام به باوری خاص. تقی کاشی چندوجهی‌بودن شخصیت مولانا فهمی را دلیل وسعت مشرب او ذکر نکرده، اما هم‌صحبتی با همگان و داشتن باورهای گوناگون و متفاوت ویژگی خاص وسیع‌مشربان است.[۹]

مولانا کمال‌الدین حاتم نیز به‌سبب شرب مداوم خمر به وسعت مشرب دچار بوده است. او به‌سبب سخنانی که نباید در جمع اکابر و سلاطین می‌گفته، توسط ترکمانان دفع می‌شود (همان، ۲۳۵). تقی کاشی توضیح نداده که سخنان حاتم چه بوده که خاطر اکابر و سلاطین را رنجانده است، اما دلیل دفع شاعران و وسیع‌مشربان توسط ترکمانان معمولاً شرب خمر و رسوخ باورهای زنادقه در عقاید ایشان بوده است.

از دیگر وسیع‌مشربان، که تقی کاشی در *خلاصة‌الاشعار* در بخش کاشان از آنان نام می‌برد، مولانا کسری است که ابیات عاشقانه می‌گفته و پیوسته در مستی و بی‌هوشی بوده است (کاشی، ۱۳۸۴: ۵۵۸). مولانا غضنفر نیز غزلیات عاشقانه دارد و «به‌سبب سعت مشرب و تناول افیونات و مکفیّات» مریض می‌شود (همان، ۶۱۲). مولانا شجاع به این علت بود که «از جمیع تکالیف و قیود خود را آزاد ساخته بود، چنانچه در اواخر حال به‌واسطهٔ شرب مدام و مداومت بر تجرّع آن منهیّات شرع و اعمال قبیحهٔ عقلی در نظرش بد نمی‌نمود» (همان، ۶۲۱). میرمسعود «بی‌قید و لوند مشرب بود و اوامر و نواهی شرع نزد اعتقادش یکسان» بود (همان، ۶۴۷). مشاهده می‌شود که تقی کاشی نگاهی مثبت یا دست‌کم خنثی به مقولهٔ بی‌قیدی، بی‌تکلفی و می‌خواری ندارد. آزادی از قید تکالیف و قیود شرعی در نظر تقی کاشی مستقیماً به بی‌دینی اشاره دارد. چندوجهی‌بودن باورهای وسیع‌مشربان نیز دلیل بر بی‌دینی آنان است.

اگرچه دلیل وسعت مشرب شاعران در نظر تقی کاشی بی‌قیدی و شرب خمر و قدم‌گذاشتن در جادهٔ زندقه است، اما همین شاعران صاحب فضایل اخلاقی و کمالات

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.9.4]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.173]

انسانی نیز هستند، هرچند در نظر تقی کاشی آن فضایل نسبتی با وسعت مشرب ندارد. خیرخواهی و صلاح‌اندیشی (همان، ۷۳۳)، بی‌تکلفی (همان، ۴۵۷) و وفاق (همان، ۶۲۱) از جملهٔ این فضایل اخلاقی است. وسعت مشرب امیر رفیع‌الدین حیدر معمایی، از بزرگان سادات کاشان، علاوه‌بر اینکه «به‌واسطهٔ اشغال مشرب و بسیاری اختلاط با اهل عیش و طرب» بوده است، این دلیل را نیز داشته که «به لوث دون‌همتی ملوّث» نبوده و «در هیچ محل بر طلاوت حلیت مشربش از وصمت منقصت اثری» نبوده است (همان، ۲۰-۲۱).

۲. ۶. ۲. وسعت مشرب و غایت کمالی و اخلاقی در هندوستان

درحالی‌که تقی کاشی بی‌قیدی، رندی، می‌خواری، عاشقی و سرودن اشعار عاشقانه، گرایش به باورهای زندقه و اهل نقطه و عدم رعایت شرایع دینی را از «وسعت مشرب» مراد کرده است، اوحدی بلیانی در *عرفات‌العاشقین* (۱۰۲۴ ق.) و محمد امین رازی در تذکرهٔ *هفت اقلیم* (۱۰۱۸ ق.) درک دیگری از وسعت مشرب دارند. این تذکره‌ها، که هم‌زمان با *خلاصة‌الاشعار* اما در هند نگاشته شده‌اند، وسعت مشرب را غایت فضایل و مکارم اخلاقی و گرایش به باورهای صوفیانه تعریف کرده‌اند. اوحدی بلیانی و محمد امین رازی وسعت مشرب را شامل می‌خواری نیز می‌دانند، اما نه چندان که چون تقی کاشی آن را منکر شرعی بشمارند. اوحدی بلیانی وسعت مشرب ابن‌هلال را در پاکی فطرت و غایت فضیلت و کمال او می‌داند و بی‌تکلفی در نظر او امری پسندیده است:

> مولانا ابن‌هلال به غایت خوش‌طبع خیره طیره بود. در هجا و هزل و مزاح، نظم و نثر بسیار دارد... گویند از نیشابور است. با غایت فضیلت و کثرت کمال و ارتکاب قضا، در نهایت وسعت مشرب و غایت پاکی فطرت بوده و بسیار بی‌تکلّف و در جمیع مراتب داخل آمده (اوحدی بلیانی، ۱/۱۳۸۹: ۴۰۹).

برهان‌الدین الاردلانی «فاضلی صاحب‌کمال و کاملی پسندیده احوال بوده»، مجرد، وارسته و بی‌تعلق بوده و «نهایت صلاح [را] با غایت مشرب جمع کرده بود» (همان، ۷۱۶/۲). خوش‌اختلاطی، لطیف‌طبعی، سلوک رندانه و وجود تمام کمالات و فضایل انسانی دلیل وسعت مشرب قاضی محمد تهرانی است (همان، ۱۸۹۵/۳). علاوه‌بر اینها، اوحدی بلیانی وسعت مشرب تشبیهی کاشی، شاعر نقطوی، را در چند جنبه می‌داند: وجود کمالات بسیار، زیستن در لباس فقر و ملامتیه، باور به توحید، تصوف و تجرد و دردطلبی (همان، ۸۶۹/۲).[۱۰] امیر شمس‌الدین محمد کرمانی از فاضلان زمان خود بود و «با غایت فضیلت و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.9.4]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.173]

نهایت کمال، وسعت تام در مشرب [هم] داشته» است (همان، ۲۱۴۴/۴). سید ظهیرالدین یحیی سرخسی نیز «ساحت فضیلتی وسیع، و سعت همتی رفیع داشته. با علو حالت و سمو جلالت، در نهایت مشرب بوده» است (همان، ۲۵۰۵/۴). شیخ عراقی، که بارگاه او کنار بارگاه شیخ محیی‌الدین‌ابن‌عربی است و در «وسعت مشرب و مراتب عرفان به درجات عالیه رسیده، با نهایت وصول به دایرهٔ حقیقی همیشه مقید زلف دلبران مشکین‌خط بودی و پای‌بست دام و دانهٔ خال و خط شاهدان سمن‌عارض گشتی، چنانچه بعضی‌کوته‌همتان کج‌اندیش ظاهربین انکار وی نموده» (همان، ۲۵۹۸/۵). مولانا قطب‌الدین محمد علامه شیرازی نیز صاحب «فسحت طبیعت [و] وسعت مشرب» بود (همان، ۶/ ۳۳۷۷). مولانا محمد خباز واحدالعین صفاهانی در شعر و ریاضی سرآمد بوده و «همیشه به حالت خود است و غایت ادراک [و] وسعت مشرب دارد» (همان، ۴۰۴۳/۶). میرزا مشربی تکلّو نیز وسیع‌مشرب و «از زلال فنا لبریز» بوده و قلندروشانه سیاحت می‌کرده است (همان، ۴۱۰۴/۶). در این نمونه‌ها، وسعت مشرب آشکارا با بی‌قیدی و بی‌تکلفی همراه است، اما اوحدی بلیانی دیدگاهی مثبت به این رفتارها دارد. در گزارش‌های اوحدی، باطنی‌گرایی و کمالات اخلاقی و انسانی دلیل وسعت مشرب شاعران است.

محمد امین رازی در تذکرهٔ *هفت اقلیم* نیز وسعت مشرب را وفور علم و دانش و هنرپروری و شاعری (رازی، ۲/۱۳۴۰: ۴۱۴، ۷۰/۳ و ۳۸۴)، حسن طبیعت و حدت طبع و جودت ذهن (همان، ۳/ ۵۲، ۳/ ۱۴۹، ۳۰۴ و ۳۸۷)، حسن معاشرت، حسن کردار و گفتار (همان، ۲/ ۴۱۴، ۳/ ۵۲، ۵۷، ۱۴۹ و ۳۰۴)، بی‌تکلفی (همان، ۷۰/۳) و در یک مورد وسعت مشرب را می‌خواری (همان، ۳/ ۵۷) دانسته است.

۲. ۶. ۳. وسعت مشرب در ایران فرقه‌گرا و هندوستان تکثرگرا

دیدیم که وسعت مشرب در کاشان (*خلاصة‌الاشعار*) به‌مثابهٔ فساد عقیده و در مظان طاغی‌گری، الحاد و زندقه است و از این لحاظ رقیب حکومت فقهی صفوی محسوب می‌شود. این درحالی است که وسعت مشرب در هند (*عرفات‌العاشقین*) در مقام کمالات اخلاقی و انسانی، باطنی‌گرایی، مداراگری هندی و تکثرگرایی دین الهی اکبرشاه همسو است. تفاوت برداشت این دو از یک امر واحد تفاوت گفتمان‌هایی را نشان می‌دهد که این آثار در فضای آن گفتمان‌ها نوشته شده‌اند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.9.4]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.173]

فضایی که تذکرهٔ *خلاصة‌الاشعار* در آن نوشته شده، فضای دوقطبی بین فقاهت شیعی دربرابر آزاداندیشی و حریت ایرانی است. تقابل میان شریعت فقهی، که فقها طراح و کارگزارانش جماعت قزلباش بودند، و آزاداندیشی دینی، که نخبگان و دیوان‌سالاران (وزراء، امراء و مجریان تاجیک دربار صفوی) بازتولیدش می‌کردند، ساختار این دوقطبی را شکل داده است. این درحالی است که هردوسویهٔ این تقابل در اندیشهٔ سیاسی شاه اسماعیل اول جمع آمده بود. شاه اسماعیل در سال ۹۰۶ ق. قدرتش را بر بنیاد سه گفتمان (ایران‌شهری، تشیع و تصوف) بنا کرد: نخست، حق الهی شاهان ایرانی و وجود شکوه شاهانه که در باورهای باستانی ایران ریشه داشت؛ دوم ادعای نیابت امام غایب که گرچه علما با اکراه پذیرفتند، نهاد مذهب را با نهاد سیاست پیوند داد؛[۱۱] و سوم، نقش شاه در مقام «مرشد کامل» که از گفتمان تصوف مقتبس بود و سبب دلاوری‌های قزلباشان و قدرت‌یابی آنان در نهاد قدرت صفویه بود (سیوری، ۱۳۸۰: ۱۴۲). قدرت دیوان‌سالاران ایرانی و قزلباش در دورهٔ شاه اسماعیل تقریباً موازی بوده است، اما دورهٔ پنجاه‌سالهٔ سلطنت شاه طهماسب (۹۳۰ـ۹۸۴ق.)، که با حمایت از امرای قزلباش به سلطنت رسید، فرصتی را برای شیعی‌سازی ایران و تثبیت موقعیت این مذهب ایجاد کرد.

حضور پررنگ جماعت قزلباش در رأس حکومت و قوت‌یافتن فقه شیعی، رویکرد منفی به طبقهٔ دیوانی، که توسط ایرانی‌ها اداره می‌شد، و بالتبع باورهای ایرانی را به‌دنبال داشت. جنبش‌های سیاسی مانند نقطویه (اسکندربیگ، ۱/۱۳۳۴: ۴۷۳) و شورش‌های قلندران (همان، ۲۷۲)، که برخی از باورهایشان در اندیشه‌های ایرانی ریشه داشت، نیز به این رویکرد منفی دامن زد. ازسوی‌دیگر، تعلق وسعت مشرب به گفتمان ایران‌شهری و تأکید بر خوش‌باشی و حریت ایرانی و باطنی‌گرایی صوفیانه در ظاهر رقیب شریعت قشری شیعی محسوب می‌شد و در مظان طاغی‌گری، الحاد و زندقه قرار گرفت. نام‌گذاری می‌خواری و عشرت‌طلبی با عنوان «منکرات و مناهی» و حریت با عنوان «بی‌دینی و الحاد» در گفتمان فقهی تشیع، تفاوت دیدگاه بازی‌گردانان صفوی را با مرام وسیع‌مشربان نشان می‌دهد. تأکید بر ارتباط وسیع‌مشربان با نقطویه نیز، علاوه‌بر اینکه نوعی اتهام سیاسی‌ـمذهبی با این هدف بود که وسیع‌مشربان در شمار دشمنان و یاغیان در مقابل حکومت قرار گیرند و مرزبندی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.9.4]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.173]

مشخصی میان وسعت مشرب و اهل شریعت و فقهای شیعی ایجاد شود، نشان‌دهندهٔ این است که آبشخور هردو باور (وسعت مشرب و نقطویه) یکی است.[۱۲]

در این دوره، مبارزه با فرق تصوف و اندیشه‌های صوفیانهٔ غیرصفوی، از جمله باورهای وحدت وجودی و باطنی‌گرایی، نیز افزایش می‌یابد. اختلاط وسعت مشرب با باورهای صوفیانه سبب طرد وسیع‌مشربان از گفتمان قدرت می‌شود؛ چراکه خوانش چندوجهی صوفیان و وسیع‌مشربان از دین و مذهب با قرائت تک‌بُعدی فقهی و حکومتی از دین و مذهب متفاوت بوده است. درحالی‌که حکومت در پی تثبیت یک فرقه (شیعهٔ دوازده‌امامی) از هفتادودو فرقهٔ اسلام در ایران بود، وسعت مشرب و گفتمان صوفیه از صلح هفتادودو ملت و آرمان فرافرقه‌ای سخن می‌گفتند.

تعلق اندیشهٔ وسعت مشرب به باورهای ایرانی، سلوک عشرت‌خواهانهٔ آن، آزاداندیشی، اختلاط با تصوف ایرانی‌اسلامی و باطنی‌گرایی سبب می‌شود که وسیع‌مشربان در اواخر سلطنت شاه طهماسب مورد التفات شاه قرار نگیرند؛[۱۳] زیرا فقیهان با رواج منکرات شرعی به‌ویژه شادنوشی و جمال‌پرستی مخالفت جدی داشتند و جماعت قزلباش با قدرت‌یابی دیوان‌سالاران ایرانی کنار نمی‌آمدند.

تقی کاشی، که در ایران و دارالمؤمنین کاشان است و در کانون ادبی کاشان همهٔ نگاه‌ها به اوست، نمی‌تواند بیرون از گفتمان متعصبانهٔ حکومت فقهی صفوی باشد؛ بنابراین، وسعت مشرب را به بی‌قیدی، لاابالی‌گری، شرب خمر و رسوخ اعتقاد تقلیل داده است. او اگرچه وسیع‌مشربان را با صفت‌های والای صوفیانه و فضایل اخلاقی نیز وصف کرده است، اما دلیل وسیع‌مشربی آنان را فضایل اخلاقی نمی‌داند؛ چراکه فضای اجتماعی حکومت صفویه محملی برای بازنمود مثبت و اخلاقی وسعت مشرب فراهم نمی‌کند.[۱۴]

ازسوی‌دیگر، فضایی که *عرفات‌العاشقین* و *هفت‌اقلیم* در آن نوشته شده‌اند (گفتمان تیموریان هند) و وسعت مشرب را فضایل و کمالات اخلاقی دانسته‌اند، کاملاً با فضای دوقطبی ایران صفوی متفاوت است. شاهان تیموری هند خود را از نسل تیمور مؤسس تیموریان ایران می‌دانستند و به‌دنبال رواج تمدن ایرانی و گسترش زبان فارسی بودند. بابرشاه، مؤسس سلسلهٔ تیموریان هند، در محیط ادب‌پرور و شعردوست هرات در محفل سلطان حسین بایقرا تیموری، در کنار افرادی همچون امیرعلیشیر نوایی و جامی پرورش یافت. او در شاعری و نویسندگی توانا و به تاریخ‌نویسی علاقه‌مند بود. ازطرف‌دیگر، اساس

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.9.4]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.173]

جهان‌نگری شاهان تیموری هند باور به سازش و مدارای دینی[۱۵] بوده است. اکبرشاه از طریق طرح مسائل مناقشه‌آمیز به آموزش صلح و سازش دینی می‌پرداخت و اصطلاح «صلح کل» و «دین الهی» را ابداع کرد. او به تصوف و باورهای وحدت وجودی نیز علاقهٔ بسیاری نشان می‌داد؛ چراکه تصوف به‌منزلهٔ یک ایدهٔ اسلامی جامع‌تر و بازتر از شریعت فقهی شناخته شده بود و ریشه‌های ایرانی داشت. بنابراین، رواج تمدن فارسی و مدارای دینی دو برنامهٔ کلان شاهان تیموری هند بوده است.

فرهنگ ایرانی و تمدن فارسی در هند در دورهٔ سلطنت اکبرشاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق.)، سومین شاه تیموریان هند، وارد مرحلهٔ جدیدی شد. دربار اکبرشاه سرشار از شخصیت‌های علمی و ادبی بود. موج مهاجرت شاعران و هنرمندان ایرانی، که با سیاست تعصب مذهبی شاه طهماسب هم‌زمان شده بود، نیز در دورهٔ او افزایش یافت. او و جانشینانش مروج شکوه خسروانهٔ محافل ادبی و صله‌افشانی اجداد ایرانی‌شان بودند. به‌گفتهٔ نویسندهٔ *دبستان مذاهب* اکبرشاه رسم خواندن تفسیر و فقه را برانداخت و خواندن و آموزش نجوم، حکمت، حساب، تصوف، شعر و تاریخ را، که از علوم و فنون ایرانی است، برقرار کرد. تغییر تاریخ و نام ماه‌های عربی به فارسی به رسم ملوک عجم، آغاز تاریخ براساس سال‌شمار و گاه‌شمار خورشیدی و برگزاری اعیاد موافق با اعیاد زرتشتیان از جمله فرمان‌های اکبرشاه در راستای توحید الهی بود (اسفندیار، ۱۳۶۲: ۳۰۱-۳۰۳).[۱۶] او همچنین هزارهٔ عجمی را هم‌زمان با دین الهی و با شعار «لااله الا اللـه اکبر خلیفه‌اللـه» (همان) آغاز کرد. مجموع این امور برپایهٔ تفکر ایرانی‌گرای اکبرشاه شکل گرفته بود.

ازطرف‌دیگر، اکبرشاه برای عملی‌کردن اعتقادش به صلح کل و نیز میل وافرش به تفکرات فلسفی، مخصوصاً دربارهٔ ارتباط انسان و مطلق، مباحثه‌های مذهبی را با گونه‌گونی بسیار افتتاح و تبلیغ کرد. او برای انجام چنین بحث‌هایی محلی به نام عبادت‌خانه در فتح‌پور در نزدیکی آگره بنا کرد. نمایندهٔ مدارس مختلف اندیشهٔ کلامی و فلسفی غیرمسلمان، از جمله هندو، جین، زرتشتیان و مسیحیان، در طی یک دورهٔ تقریباً ده‌ساله (۹۹۲-۱۰۰۲ق./ ۱۵۸۵-۱۵۷۵م) در این مکان به بحث و گفت‌وگو پرداختند. این مباحثات در سال ۹۸۹ ق./ ۱۵۸۲م. به پیدایش یک آیین التقاطی جدید، با عنوان «دین الهی» انجامید که یک الهیات بدون تشریفات و مراسم مذهبی، کاهن/ روحانی یا کتاب، و فقط براساس عناصر مشترک همهٔ ادیان بود. اکبرشاه با هدف انتخاب بهترین‌ها از هر دینی،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.9.4]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.173]

«دین الهی» را تأسیس کرد که صاحب *دبستان مذاهب* از آن به «عقاید الهیان» تعبیر کرده است (اسفندیار، ۱۳۶۲).

عبدالقادر بدائونی در *منتخب‌التواریخ* نوشته است که آنها در دین الهی نماز و روزه را تقلیدات نام نهادند و مدار دین را بر عقل نهادند و هرچه را با عقل سنخیت نداشت نفی می‌کردند (بدائونی، ۲/۱۸۶۸: ۱۴۵). دین الهی، بیش از آنکه چیزی به نام دین باشد، نوعی تفکر معنوی برپایهٔ کثرت‌گرایی و نظریهٔ وحدت وجودی صوفیه بوده است. نویسندهٔ *دبستان مذاهب* دربارهٔ این عقیده می‌گوید که اکبرشاه دستور داده بود برهمنی دانا معاملهٔ هندوان را انجام دهد و قاضی مسلمانان معاملهٔ مسلمانان را صورت دهد و کسی مانع احداث بتخانه و کنیسه و آتشکده و دخمه و مسجد نشود (اسفندیار، ۱/۱۳۶۲: ۲۹۹-۳۰۱).

تمایل شاهان تیموری به اندیشه‌های ایرانی، اهمیت مدارا و مساوات دینی و گرایش به باورهای تکثرگرا، ارجنهادن به باورهای صوفیانه، و باطنی‌گرایی در گفتمان تیموریان هند سبب مهاجرت بسیاری از شاعران وسیع‌مشرب به هند و رواج این اندیشه در آن دیار شد. برهمین‌اساس، اوحدی بلیانی و رازی، که در آن گفتمانِ گشوده از ادبیات و محافل ادبی گزارش داده‌اند، رویکرد مثبتی به وسعت مشرب دارند و این اندیشه را که در فضای دوقطبی صفویه (تقابل‌های ترکمن/ تاجیک و فرقه‌گرایی/ حریت) رقیب حکومت شریعت‌مدار قشری است، کمال اخلاقی و انسانی می‌بینند و آن را می‌ستاید.

نتیجه‌گیری

تذکره‌های شعر در محفل ادبی هرات، که پیش از دوشاخه‌شدن وسعت مشرب، در ایران و هندوستان نوشته شده‌اند، بی‌پروایی، می‌خواری و درعین‌حال گرایش‌های صوفیانه و پاک‌دینی را وسعت مشرب می‌دانند؛ بنابراین، مسلم است که وسعت مشرب از آغاز همراه با سلوک بی‌قیدانه و عشرت‌خواهانه بوده است و ردپای باطنی‌گرایی و گرایش‌های صوفیانه در این باور دیده می‌شود. بااین‌حال، مرز مشخصی در تعریف وسعت مشرب بین متون ادبی و تاریخی ایران عصر صفوی با آثاری وجود دارد که در هند نوشته شده است. تذکرهٔ *خلاصة‌الاشعار* در اقلیم ایران و در حوزهٔ امپراتوری صفوی، نمودهای وسعت مشرب شاعران و حکیمان را در دو وجه برجسته کرده است: ۱. بی‌قیدی، می‌خواری، عاشقی‌کردن و سرودن غزل عاشقانه؛ ۲. عدم التزام به شعایر دینی و گرایش به باورهای الحادی از جمله

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.9.4]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.173]

نقطویه. این درحالی است که منابع ادبی هند، وسعت مشرب شاعران و فرهیختگان را در مکارم و فضایل اخلاقی و باورهای صوفیانه از جمله صفا و یکرنگی و صلح می‌دانند. این منابع، اگرچه به زیست بی‌قیدانه، می‌خواری و بی‌دینی وسیع‌مشربان نیز اشاره می‌کنند، اما این موارد در نظر آنان، برخلاف منابع ادبی و تاریخی ایران، بار ارزشی منفی ندارد. به‌عبارت دیگر، منابع ایران و منابع هند هرکدام یک وجه از شخصیت وسیع‌مشرب را برجسته کرده است: منابع ایران شادخواری و عدم التزام به یک باور مشخص (لزوماً اسلام) را به‌صورت نکته‌ای منفی بازتولید کرده‌اند؛ و منابع هندی مکارم اخلاقی و گرایش‌های باطنی وسیع‌مشربان را برجسته کرده و از می‌خواری و بی‌دینی آنان به‌منزلهٔ یک نقطهٔ عطف یاد کرده‌اند.

به گزارش تقی کاشی در *خلاصة‌الاشعار*، وسعت مشرب عبارت است از «اعتقادات فاسده»، «تتبع سبیل زنادقه» (مشخصاً نقطویان)، و «شرب خمر». فرد وسیع‌مشرب با عنوان «بیچارهٔ گمراه» که به مکافات رسیده، «اهل ضلال»، طاغی، اهل جرئت و اعمال قبیح و... یاد شده است. درحالی‌که در گزارش اوحدی بلیانی *در عرفات‌العاشقین* وسعت مشرب با «نهایت صلاح»، «روش تجرید دلپسند»، «غایت پاکی»، «حسن کردار»، «غایت ادراک» و... همراه شده و وسیع‌مشرب «رند عالی‌قدرِ» «درویش‌مشرب» است.

مهم‌ترین دلیل این تفاوت وجود گفتمان‌هایی است که نویسندگان آثار در آنها حضور داشته‌اند. در ایران دورهٔ شاه طهماسب، ترکمانان قزلباش و فقهای شریعت‌مدار در رأس قدرت سیاسی و مذهبی و در جدال با نیروها و باورهای ایرانی و فرق صوفیانه بوده‌اند. تقی کاشی در کانون ادبی کاشان نیز نمی‌تواند بیرون از این گفتمان باشد؛ بنابراین، وسعت مشرب در تذکرهٔ *خلاصة‌الاشعار* به‌مثابهٔ فساد عقیده و رقیب حکومت فقهی نمودار می‌شود؛ زیرا وسعت مشرب پیوند وثیقی با فرهنگ فارسی و باورهای ایرانی از جمله آزاداندیشی و شادخواری دارد. همچنین، شیرین‌بیانی، خوش‌محضری و شاعری جزء جدایی‌ناپذیر وسیع‌مشربی است و شاعران وسیع‌مشرب در دانش و حکمت دستی دارند. توانایی در دانش‌های غیردینی و شعر از مؤلفه‌های نانوشتهٔ دیوانیان ایرانی دربار صفوی بوده که با علوم فقهی دوگانه‌ای را در حکومت صفوی ایجاد کرده بود. ازسوی‌دیگر، حمایت شاهان تیموری هند از فرهنگ فارسی و تمدن ایرانی، سیاست صلح کل، مدارای مذهبی و توجه به تصوف به‌منزلهٔ دریچه‌ای بازتر از شریعت فقهی فضای فرهنگی‌ای را در

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.9.4]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.173]

هند ایجاد کرده که درست در نقطهٔ مقابل فضای فرهنگی ایران صفوی قرار داشته است. ناگفته پیداست که زمینهٔ رشد اندیشهٔ وسعت مشرب، که به گفتمان دیوانی ایرانی تعلق دارد و به باطنی‌گرایی متمایل است، در هند بیشتر فراهم بوده است و تذکره‌نویسان هند از جمله اوحدی بلیانی در چنین گفتمانی وسعت مشرب را درقالب کمالات اخلاقی و عرفانی و همسو با تکثرگرایی و مدارای دینی شاهان تیموری می‌بینند.

پی‌نوشت

۱. در مقاله‌ای دیگر با عنوان «وسعت مشرب: پاسخ فرهیختگان شاعر به ایدئولوژی صفویه» رویکرد شاعران سبک هندی را درباب این اندیشه در دیوان‌های شعر بررسی کرده‌ایم. ازآنجاکه تذکره‌ها و متون تاریخی از چشم‌انداز دیگری به وسعت مشرب نگریسته‌اند، در اینجا رویکرد تذکره‌ها و متون تاریخی را در نظر گرفته‌ایم، و بدین‌وسیله جایگاه این اندیشه را در فضای فرهنگی و اجتماعی دو حکومت صفویه و تیموریان گورکانی مقایسه کرده‌ایم. این مقاله در حقیقت پاسخی برای چرایی مهاجرت فرهنگی در این دوره است.

۲. مفهوم فنا و بی‌تعینی از مضامینی است که بعدها در گفتمان وسعت مشرب کاربرد فراوان می‌یابد: می‌برد سعی فنا تنگی از آغوش حباب/ وسعت مشرب ما تابع ساغرشکنی‌ست (بیدل، ۱۳۶۳: ۲۴۱). استعارهٔ حباب برای ممثل‌شدن مفهوم فنا در شعر وسعت مشرب بسامد زیادی دارد. بی‌تکلفی صوفیانه نیز در شعر وسعت مشرب کاربرد دارد: بی‌تکلف الفتی دارم که صافی‌مشرب است/ کار بر ساغرپرستان محبت مشکل است (اسیر شهرستانی، ۱۳۸۴: ۵۴۲).

۳. «بسیار خوش‌صحبت و شیرین‌گفتار و نیکوکردار و بسی مؤدب و صاحب‌مشرب و پاک‌دین و پاک‌مذهب و مدت بیست‌سال تولیت مزار حضرت عتیق الرحمن شیخ لقمان نموده» (نوایی، ۱/۱۳۶۳: ۲۶۵).

۴. صائب تبریزی، اشرف مازندرانی، وحید قزوینی و... در قرون بعد از جامی دیدگاه‌های وحدت وجودی را در اندیشهٔ وسعت مشرب تثبیت کرده‌اند. ذکر شواهدی از شعر ایشان برای بیان این موضوع خالی از فایده نیست: «نگنجد مو میان کفر و دین در عالم مشرب/ که آنجا رشتهٔ تسبیح از زنار می‌باشد» (صائب، ۱۳۶۵: ۳۱۱۵)؛ «چنان از مشرب من کفر و دین یکرنگ شد با هم/ که از تسبیح بوی صندل بتخانه می‌آید» (صائب، ۱۳۶۵: ۳۲۱۱)؛ «کعبه و بتخانه یکسان است صائب پیش سیل/ حرف کفر و دین مگو با اهل مشرب بیش ازین» (صائب، ۱۳۶۵: ۶۱۹۴)؛ «ما ز یکرنگی مشرب پی به وحدت برده‌ایم/ پیش ما زنگار کفر و سبزهٔ ایمان یکی است/ رهروان کفر و دین آخر به یکجا می‌رسند/ از دو چشم آید برون گر اشک دامان یکی است» (اشرف مازندرانی، ۱۳۷۳: ۲۱۱)؛ «به عنوانی که آمیزی شراب و آب را با هم/ به بزم وسع مشرب حق و باطل را یکی کردم» (وحید قزوینی، ۱۳۹۴: ۸۹۷)؛ «هرکه دارد جوهری با کفر و دین هم‌مشرب است/ چوب گاهی تختهٔ نرد و گهی منبر شود» (اشرف مازندرانی، ۱۳۷۳: ۲۵۰)؛ «به هر راهی که رفتم منزل و مقصد یکی دیدم/ ندانم مختلف چندین برای چیست مذهب‌ها» (نجیب کاشانی، ۱۳۸۲: ۸۳).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.9.4]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.173]

۵. شاعران وسیع‌مشربی که به حوزه‌های غربی (تبریز و آذربایجان) یا عراق عجم (شیراز) تعلق داشته باشند انگشت‌شمارند. *خلاصة‌الاشعار* در بخش شیراز فقط یک شاعر به نام مولانا نطقی را وسیع‌مشرب نامیده است (کاشی، ۱۳۹۲الف: ۳۵۱).

۶. در نزد محمود پسیخانی، مؤسس نقطویه، کل عمر عالم شصت‌وچهارهزارسال است که به چهار دوره تقسیم می‌شود. هریک از این دوره‌ها به نوبت به ۸۰۰۰ سال تقسیم می‌شود. نخست دور عرب (دورهٔ استعراب)، که در طول آن هدایت بشریت به «مرسل مکمل عرب» واگذار شده است و دوم ۸۰۰۰ سال دور پارسی (دورهٔ استعجام) که «مُبین مکمل عجم» بر آن ریاست دارد. ظهور محمود پسیخانی بر آغاز یکی از همین ادوار پارسی دلالت دارد و گیلان و مازندران در دور او جایگزین مکه و مدینه شده‌اند. به این ترتیب، آغاز سال ۸۰۰ ق. را پایان دور عرب و آغاز دور عجم می‌خواند (اسفندیار، ۱/۱۳۶۲: ۲۷۵). در *دبستان مذاهب* بیتی از شاعری بی‌نام آمده که به آغاز دور عجمی اشاره دارد: «رسید نوبت رندان عاقبت محمود/ گذشت آنکه عرب طعنه بر عجم می‌زد» (همان).

۷. در بخش‌هایی از *خلاصة‌الاشعار* دیدگاه تقی کاشی نسبت به وسعت مشرب کمی متفاوت است. به‌نظر می‌رسد کاشی هرچه از مرکز کاشان و توصیف شعرای زمان شاه طهماسب فاصله می‌گیرد، دیدگاه لطیف‌تری نسبت به وسعت مشرب اتخاذ می‌کند. همچنین، می‌دانیم که نگارش و تدوین این اثر بیش از چهل‌سال به طول انجامید (۹۸۵ تا ۱۰۱۱ ق) و کاشی آن را در سال ۱۰۱۶ ق.، به شاه عباس اول تقدیم کرد. این احتمال نیز وجود دارد که این بخش‌ها در دروهٔ شاه عباس نوشته شده باشد که گشایشی در فضای فکری و سیاسی ایران ایجاد شد و کاشی تغییراتی در نسخه‌های پیشین اعمال کرده باشد. این موضوع نیازمند بررسی دقیق نسخه‌های خطی و تحریرهای متفاوت این تذکره است که برخی به دست خود مؤلف صورت گرفته است.

۸. «حکیم کمال‌الدین حسین شیرازی حکیم فاضل دانشمند نیکواخلاق بود. در اول حال حکیم مریض اعظم شاه نعمت‌الـله یزدی گردید و در خدمت او می‌بود. بعد از فوت او در سلک حکمای درگاه معلی منسلک گردیده... مریضان امراض مختلفه به یمن معالجتش صحت می‌یافتند و چون به توسعهٔ مشرب مشهور گشته به طریق ارباب ریا زهدفروش نبود. با احتمال ارتکاب شرب خمر که اطباء به جهت صحت ابدان عموماً جایز می‌شمارند از شاه جنت‌مکان زیاده توجهی نمی‌یافت و در زمان نواب سکندر شأن ملازمت خان‌احمد والی گیلان اختیار نموده» (اسکندربیگ، ۱/۱۳۳۴: ۱۲۳). «میرزا محمد شیرازی قوم حکیم کمال‌الدین حسین حکیم فاضل دانشمند نیکواخلاق بود و در معالجهٔ مرض ید بیضا کار می‌فرمود... او نیز به طریق حکیم کمال‌الدین حسین به توسعهٔ مشرب مشهور و از توجهات پادشاهی مهجور بود. بعضی اوقات در اردوی معلی و بعضی اوقات در دارالعمارهٔ یزد روزگار می‌گذرانید» (همان).

۹. شاعران وسیع‌مشرب به مصاحبت با همهٔ باورها توجه خاص دارند. برخی از سروده‌های آنها عبارت‌اند از: «مشرب مصاحب می‌کند ورنه تفاوت بی‌حدست/ تو مست حسن و ناز خود من در خمار خویشتن» (نظیری نیشابوری، ۱۳۴۰: ۳۱۵)؛ «دل خوش‌مشرب من صلح کل کرده است با عالم/ که آب صاف با هر شیشه‌ای یکرنگ می‌گردد» (صائب، ۱۳۶۵: ۲۸۶۰)؛ «مرا از صافی مشرب ز خود دانند هر قومی/ که هر ظرفی به رنگ خود برآرد آب روشن را» (همان، ۴۱۹)؛ «خونِ مشرب باش، یکسان جوش زن با خار و گل/ نخل خوش‌پیوند

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.9.4]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.173]

شو، در هر زمینی ریشه کن» (حزین لاهیجی، ۱۳۸۴: ۵۰۱)؛ «مشربم از سادگی همرنگ هرکس می‌شود/ شعله می‌گردد هوای خانه‌ام از نور شمع» (شوکت بخاری، ۱۳۸۲: ۳۸۰).

۱۰. تقی کاشی تشبیهی را «در وادی مذهب خبیث‌العقیدهٔ اهل نقطه» می‌داند که «اطاعت و تصدیق ضروریات شریعت مصطفوی نکند و اوامر و نواهی دین مبین نبوی را منکر شود» (کاشی، ۱۳۸۴: ۳۲۵).

۱۱. سام‌میرزا شاه اسماعیل را قهرمان ایرانی توصیف می‌کند و او را به باورهای تشیع پیوند می‌زند: «چون جمشید خورشید یکسوارهٔ سمند جهانگیری» (سام‌میرزا، ۱۳۸۹: ۸)، «قاهر قهرمان ملک عجم» که «سکه و خطبه به اسامی ائمهٔ هدی» زینت داده است (همان، ۹). او همچنین شاه اسماعیل را شاعر می‌داند (همان، ۱۰).

۱۲. ورود به باورهای ایرانی و ایرانی‌گرایی نقطویه مجال دیگری می‌طلبد؛ فی‌الحال، یادآوری این نکته کفایت می‌کند که به‌گواهی نویسندهٔ *دبستان مذاهب* باورهای نقطویه اعتقاد به تناسخ، قدیم‌بودن جهان، دنیاگرایی (حقیقت جسد، پرستش ذات آدمی، خاک به‌عنوان مرکز عالم و قبله‌بودن خورشید) و آغاز دور عجمی بوده است (اسفندیار، ۱/۱۳۶۲: ۲۷۴-۲۷۷). همچنین، اسکندربیگ در *تاریخ عالم‌آرای عباسی* باورهای آنان را این‌گونه توضیح داده است: «آن طائفه به مذهب حکماء عالم را قدیم شمرده‌اند و اصلاً اعتقاد به حشر اجساد و قیامت ندارند و مکافات حسن و قبح اعمال را در عافیت و مذلت دنیا قرار داده بهشت و دوزخ را همان می‌شمارند» (اسکندربیگ، ۱/۱۳۳۴: ۴۷۶).

۱۳. در *تاریخ عالم‌آرای عباسی* آمده که شاه طهماسب «در آخر حیات که در امر معروف و نهی منکر مبالغهٔ عظیم می‌فرمودند، چون این طبقهٔ علیّه را وسیع‌المشرب شمرده از صلحا و زمرهٔ اتقیا نمی‌دانستند، زیاده توجهی به حال ایشان نمی‌فرمودند» (اسکندربیگ، ۱/۱۳۳۴: ۱۷۹).

۱۴. گفتیم که شاعران وسیع‌مشرب اکثراً زادهٔ خراسان و کاشان بوده‌اند. کاشان مرکز خوش‌باشی بوده، اما خراسان مهد تصوف و باطنی‌گرایی بوده است. در گزارش تقی کاشی از شاعران این دو دیار، این تفاوت محسوس است و شاعران کاشان به عیش و عشرت و شاعران خراسان به تصوف گرایش دارند. برهمین‌اساس، بیشترین بسامد وسعت مشرب در *خلاصة‌الاشعار* در بخش کاشان است. تقی کاشی در بخش خراسان فقط برای یک شاعر (مولانا شرف رشکی سبزواری) اصطلاح وسعت مشرب را به‌کار برده که او نیز به لوندی و شرب خمر مشهور بوده و به دارالمؤمنین کاشان رفته است (کاشی، ۱۳۹۳: ۲۷۹). با وجود این، تقی کاشی در بخش خراسان گزارش فراوانی از شاعرانی می‌دهد که به هند رفته‌اند، بدون اینکه به وسعت مشرب آنان اشاره کند. این مسئله از این جهت اهمیت دارد که بدانیم جریان مهاجرت شاعران به هند در واقع جریان مهاجرت وسیع‌مشربان است. مشهورترین این شاعران نظیری نیشابوری (همان، ۳۸۷) و ظهوری ترشیزی (همان، ۳۰۵) هستند که اندیشه و سلوک وسیع‌مشربی آنان در شعرشان به‌وضوح بیان شده است. براین‌اساس، تقی کاشی در گزارشش از شاعران بخش خراسان، آنهایی را که به هند مهاجرت کرده‌اند وسیع‌مشرب نمی‌داند؛ چراکه وسعت مشرب شاعران اهل خراسان از جانب گرایش‌های باطنی و صوفیانه بوده و در محدودهٔ تعریف تقی کاشی از وسعت مشرب (می‌خواری و مغایرت با شعایر دینی) نمی‌گنجیده است.

15.Religious tolerance

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.9.4]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.173]

۱۶. همچنین است فرمان‌های اکبرشاه دربارهٔ ساقط‌شدن غسل جنابت و ترجیح اینکه اول غسل و بعد جماع انجام گردد، نکوهیدن طعام‌پختن برای روح میت و به‌جای آن جشن‌گرفتن روز تولد (همان)، از ارزشمندبودن جسم و امور دنیوی نشان دارد.

منابع

آقامحمدی، مسیح (۱۳۸۸) «اساس ایدئولوژیک سبک هندی». ترجمهٔ شهروز رشید. در: *صائب تبریزی، شاعر وسیع مشرب*. به‌کوشش محمدعلی حسینی. تهران: دنیای نو: ۱۲۲-۱۰۹.

اسفندیار کیخسرو (محسن فانی) (۱۳۶۲) *دبستان مذاهب*. با یادداشت‌های رحیم رضازاده ملک. تهران: طهوری.

اسکندربیگ، منشی ترکمان (۱۳۳۴) *تاریخ عالم‌آرای عباسی*. جلد ۱ و ۲. تهران: چاپخانهٔ موسوی.

اسیر شهرستانی، جلال‌بن‌مؤمن (۱۳۸۴) *دیوان اسیر شهرستانی*. تصحیح و تحقیق غلامحسین شریفی ولدانی. تهران: میراث مکتوب.

اشرف مازندرانی، محمدسعید (۱۳۷۳) *دیوان اشعار*. به‌کوشش محمدحسن سیدان. تهران: موقوفات افشار.

اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمدبن‌محمد (۱۳۸۹) *عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین*. تصحیح ذبیح‌الله صاحبکاری و آمنه فخراحمد. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

بدائونی، عبدالقادر (۱۸۶۸) *منتخب‌التواریخ*. تصحیح احمدعلی و ولیم ناسیلیس. هندوستان: کلکته.

بیدل دهلوی، عبدالقادر (۱۳۶۳) *دیوان غزلیات عبدالقادر بیدل دهلوی*. تصحیح خلیل‌الله خلیلی. تهران: بین‌الملل.

جامی، نورالدین عبدالرحمن (۱۳۷۰) *نفحات‌الانس من حضرات القدس*. تصحیح و تعلیقات محمود عابدی. تهران: اطلاعات.

حافظ‌ابرو، عبدالله (۱۳۸۰) *زبدة‌التواریخ*. تصحیح سیدکمال حاج‌سیدجوادی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

حزین لاهیجی، محمدعلی‌ابی‌طالب (۱۳۸۴) *دیوان حزین لاهیجی*. تصحیح ذبیح‌الله صاحبکار. تهران: سایه.

رازی، امین احمد (۱۳۴۰) *تذکرهٔ هفت اقلیم*. تصحیح جواد فاضل. تهران: علمی.

رضوی، فاطمه و محمود فتوحی (۱۳۹۸) «وسعت مشرب، پاسخ فرهیختگان شاعر به سیاست‌های صفویه». ویژه‌نامهٔ *نامهٔ فرهنگستان* (شبه‌قاره). شمارهٔ ۹: ۹-۴۹.

زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۱) *از چیزهای دیگر*. تهران: سخن.

سام‌میرزا صفوی (۱۳۸۹) *تحفهٔ سامی*. تصحیح و تعلیقات فاطمه انگورانی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

سیوری راجر (۱۳۸۰) *درباب صفویان*. ترجمهٔ رمضانعلی روح‌الهی. تهران: مرکز.

شوکت بخاری، محمداسحاق (۱۳۸۲) *دیوان شوکت بخاری*. تصحیح سیروس شمیسا. تهران: فردوس.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.9.4]

[DOI: 10.52547/jpll.29.90.173]

صائب تبریزی، محمدعلی (۱۳۶۵) *دیوان اشعار*. تصحیح محمد قهرمان. تهران: علمی فرهنگی.

کاشی، تقی‌الدین (۱۳۸۴) *خلاصة‌الاشعار و زبدة‌الافکار* (بخش کاشان). تصحیح عبدالعلی ادیب برومند و محمدحسین نصیری کهنمویی. تهران: میراث مکتوب.

کاشی، تقی‌الدین (۱۳۸۶) *خلاصة‌الاشعار و زبدة‌الافکار* (بخش اصفهان). تصحیح عبدالعلی ادیب برومند و محمدحسین نصیری کهنمویی. تهران: میراث مکتوب.

کاشی، تقی‌الدین محمدبن‌علی (۱۳۹۲الف) *خلاصة‌الاشعار و زبدة‌الافکار* (بخش شیراز و نواحی آن). تصحیح نفیسه ایرانی. تهران: میراث مکتوب.

کاشی، تقی‌الدین (۱۳۹۲ب) *خلاصة‌الاشعار و زبدة‌الافکار* (شعرای گیلان و دارالمرز مازندران). تصحیح ام‌البنین صادقی. تهران: سفیر اردهال.

کاشی، تقی‌الدین (۱۳۹۳) *خلاصة‌الاشعار و زبدة‌الافکار* (بخش خراسان). تصحیح عبدالعلی ادیب برومند و محمدحسین نصیری کهنمویی. تهران: میراث مکتوب.

نجیب کاشانی، نورالدین محمد (۱۳۸۲) *دیوان نجیب کاشانی*. تصحیح اصغر دادبه و مهدی صدری. تهران: میراث مکتوب.

نظیری نیشابوری، محمدحسین (۱۳۴۰) *دیوان نظیری نیشابوری*. تصحیح مظاهر مصفا. تهران: امیرکبیر و زوار.

نوایی، امیرعلیشیر نوایی (۱۳۶۳) *مجالس النفائس*. به‌اهتمام علی‌اصغر حکمت. ته‌ران: منوچهری.

وحید قزوینی، میرزا محمدطاهر (۱۳۹۴) *دیوان وحید قزوینی*. تهران: مجلس شورای اسلامی.

هلالی جغتایی، نورالدین (۱۳۳۷) *دیوان هلالی جغتایی*. تصحیح سعید نفیسی. تهران: طهوری.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.9.4]

[DOI: 10.52547/jpll.29.90.173]